

حسین کریمی
معاون قضائی رئیس قوه قضائیه

فرهنگ دادرسی

اشاره

مدتهاست که کارهای مربوط به پژوهش و تدوین فرهنگ حقوقی که از سوی جناب آقای کریمی در دست مطالعه می‌بوده‌است به پایان خود نزدیک شده‌است، لیکن مؤلف همچنان از دلبستگیهای خویش در مقوله ویرایش و بازنگری فاصله زیادی نگرفته‌است و تا چنین باشد به نظر می‌رسد یکی دو سالی کار داشته باشد تا بتوان برای «فرهنگ دادرسی» در قفسه کتابخانه‌ها جایی معلوم کرد. بنابراین مجله حقوقی بر آن شد تا عجالتاً بخشهایی از این اثر را - اگرچه پراکنده و بیرون از ترتیب الفبایی - به نظر خوانندگان خود برساند تا هم بالفعل از نتیجه آن مطالعات بهره‌ی عاید گردد و هم به پدیدآورنده فرصت داده‌شود تا از عقاید و آرای صاحبان نظر، در کمال بخشیدن به تالیف خود بهره‌جویی.

مجله حقوقی دادگستری

نویسندگان برای آن‌که بتوانند نیت نهایی خود را آشکار کنند و اهداف موردنظرشان را ترسیم نمایند ناچاراند مقدماتی را به‌تحریر درآورند و سطوری را قبل از بیان مقصود به عنوان پیشگفتار قلمی نمایند. ما نیز با بهره‌گیری از رسم معمول ناچار از بیان مقدماتی هستیم:

۱- گسترش دانش و نیازهای دانشوری

گسترش روزافزون معرفتها و دانشهای بشری، همیشه ملزومات ویژه خود را نیز به دنبال داشته است. زمانی بود که در چارچوب محدود «فلسفه»، با تعریف خاصی که از آن وجود داشت، همه معارف و دانشهای بشری جای می‌گرفت و طبقه‌بندی می‌شد و مجموعه‌هایی از نوع مجموعه آثار افلاطون و ارسطو و غیره آینه تمام‌نمای علوم و معارف و دایرةالمعارف جامعی از دانسته‌های بشر به‌شمار می‌آمدند. لیکن با توسعه دامنه فلسفه، دانش و فنون و نیز پیدایش رشته‌های جدید علمی و تخصصی، هم تعریف فلسفه و دانش دگرگون گردید و هم مفهوم دایرةالمعارف و دانشنامه متحول شد.

این دگرگونی و تحول به ویژه بعد از ظهور اسلام و آغاز نهضت ترجمه در جهان اسلام، که مانع انقراض فلسفه و دانشهای فرآمده در طول تمدنهای پیشین تاریخ گردید، به وقوع پیوست. دین مقدس اسلام نه تنها در زمینه دانشهای مذهبی بلکه در همه زمینه‌ها و رشته‌ها موجب رشد و شکوفایی معرفت بشری و گسترش و تعمیق اندیشه و علوم گردید. تحول دانش، تکثر مباحث و پیدایش موضوعات و رشته‌های علمی جدیدتر را به همراه داشته و به‌طور طبیعی گستره آن را دوچندان می‌ساخت و مسائل مورد بحث را افزونی می‌بخشید. فرهنگنامه‌ها، لغتنامه‌ها، دانشنامه‌ها و دایرةالمعارفهای عمومی و تخصصی زاینده چنین شرایط نوینی بودند. این نوع کتابها ابزارهای جدیدی برای «محیط» ساختن هرچه بیشتر انسانها بر مسائل و موضوعات فکری و علمی گسترده و فراوان بودند. درواقع این ابزارهای پژوهشی و علمی جدید بعد از اسلام و به برکت اسلام بود که به بشریت هدیه گردید.

۲- نگاهی به میراث

در فرهنگ و تمدن اسلامی آنچه را که امروزه دایرةالمعارف، فرهنگ، واژه‌نامه،

اصطلاحنامه و غیره می‌نامند، با عناوین مختلفی نامگذاری می‌کردند. این نامگذاریها به دو صورت مفرد و مرکب بود. در صورت مفرد آوردن عنوان کتاب، از اصطلاحاتی همچون معجم، تعریفات، حدود، دانشنامه، طبقات، تذکرة، کشاف، فرهنگ و لغتنامه بهره می‌بردند. در صورت مرکب آوردن عنوان کتاب آن را با استفاده از پسوندها و یا پیشوندهایی همچون مفتاح، علوم، کشف، گنج، خزینه، لغت، غریب، مشکل و برخی دیگر از کلمات می‌ساختند، و هر کتابی که یکی از این عناوین را بر خود حمل می‌کرد در واقع يك فرهنگ و دانشنامه و اصطلاحنامه عمومی و یا تخصصی بود. مانند مفتاح المعضلات، مفتاح گلستان، مفتاح المعانی، مفتاح الحقایق فی کشف الدقایق^۱، مفاتیح العلوم، احصاء العلوم، یواقیت العلوم، جوامع العلوم، جامع العلوم، نفائس الفنون^۲، کشف الدقایق، کشف اللغات، کشف الظنون، گنج اللغات، گنجنامه، قسطاس اللغة، لطایف اللغات، خزینه الامثال، لغات القرآن، المحيط بلغات القرآن، غریب القرآن، غریب الحدیث، مشکل اللغة^۳ و...

نخستین فرهنگنامه‌های اسلامی در پیوند با شرح و تفسیر واژه‌های مشکل و یا به اصطلاح «غریب» قرآن و احادیث نبوی ساخته و پرداخته شد و از این رهگذر انواع واژه‌نامه‌ها و دانشنامه‌های تخصصی در رشته‌های علوم قرآن و حدیث پدید آمد که بسیار متنوع بود. برخی از آنها فقط واژه‌های مشکل فهم و غریب را به عنوان يك لغتنامه تفسیری موضوع کار قرار داده بودند. برخی دیگر به بررسی واژه‌های دخیله و «معرب» یعنی کلماتی از قرآن را که حدس می‌زدند «غیرعربی» است مورد پژوهش قرار می‌دادند. برخی دیگر نیز «لغات» یعنی واژه‌های متخذ از لهجه‌های قبایل عرب را در قرآن کار کرده و واژه‌نامه‌های تخصصی قرآنی خود را پدید می‌آوردند. در احادیث

۱- ر.ک مقدمه لغتنامه دهخدا

۲- برای آشنائی تفصیلی با این دایرة المعارفها، ر.ک: دایرةالمعارفهای فارسی، تالیف ژبویا وسل، ترجمه محمدعلی امیرمعزی، تهران انتشارات توس ۱۳۶۸.

۳- ر.ک معجم المعاجم، ۲۲-۴۸، احمد الشرقاوی اقبال، بیروت دارالغرب الاسلامی ۱۴۰۷ هـ

نبوی نیز کار بر همین منوال بود و فرهنگنامه‌های موسوم به «غریب القرآن» و «غریب الحدیث» ره‌آورد این قبیل تلاشها هستند.

آن‌گاه فرهنگنامه‌های تخصصی مربوط به شرح حال اصحاب و بزرگان دین پدید آمد. مانند تاریخ صغیر و تاریخ کبیر بخاری، اسد الغابه فی معرفة الصحابه و غیره. سپس فرهنگنامه‌های تخصصی مربوط به شعراء یعنی تذکره‌ها پدید آمد، مانند معجم الابداء و تذکرة الشعراء و یتیمه الدهر و نیز فرهنگنامه‌های مربوط به رجال متخصص در یک رشته خاص و یا صاحب نظر در مکتب فقهی، تألیف شده و «طبقات» نامیده شدند. مانند طبقات المفسرین، طبقات المعتزله، طبقات الشافعیه و...

بنابراین، پیدایش فرهنگنامه و دانشنامه‌نویسی، نخست، با نگارش دانشنامه‌های تخصصی آغاز شد و نه دایرةالمعارفهای عمومی. لیکن به مرور در کنار آن، دایرةالمعارفهای مهم شامل همه معارف و دانشهای رایج آن اعصار نیز به تدریج شکل گرفتند که دربردارنده همه معارف، علوم و هنرهای عصر خود بودند و درضمن به طبقه‌بندی علوم و فنون رایج نیز در آنها اقدام شده بود. از این نمونه‌هاست کتابهای احصاء العلوم فارابی، کتاب الحدود یا تعریفات ابن سینا، دانشنامه علائی ابن‌سینا، تعریفات جرجانی، الفهرست ابن ندیم، درة التاج قطب‌الدین شیرازی، مفاتیح العلوم خوارزمی، جوامع العلوم ابن فریغون، نزهت‌نامه علائی ابن ابی‌الخیر رازی، جامع العلوم امام فخر رازی، نفائس الفنون شمس‌الدین آملی^۱، کشاف اصطلاحات الفنون تهانوی.

با این حال در طول تاریخ اندیشه اسلامی، دانشنامه‌نویسی تخصصی در رشته‌های مختلف علوم و فنون نیز هرگز به فراموشی سپرده نشد و به موازات فرهنگها و دایرةالمعارفهای جامع و فراگیر در هر یک از رشته‌های علوم مذهبی و غیرآن نگارشهای مستقل ارزشمندی نیز توسط دانشمندان مسلمان تألیف و تصنیف شد.

این امر چنان از استقبال گرم علماء و پژوهشگران برخوردار بود که آنان حتی در بخش کوچکی از یک رشته نیز دانشنامه‌های تخصصی جداگانه تألیف کردند. مانند واژه‌نامه‌ها و دانشنامه‌های مربوط به اسب، باد و باران و ابر، زین و لجام اسب، واژه‌های معرب زبان عربی و...

در میان دانشنامه‌های تخصصی رشته‌های مختلف در تمدن اسلامی می‌توان به عنوان نمونه‌های مشخص، به موارد و عناوین کتب ذیل اشاره کرد:

حیاه الحيوان دمیری (فرهنگنامه زیست‌شناسی و جانورشناسی)، قانون ابن‌سینا (فرهنگ دارویی و گیاه‌شناسی)، الصیدنه ابوریحان بیرونی (فرهنگ داروشناسی اعم از گیاهی، جانوری و کانی‌شناسی که به صورت الفبایی مانند فرهنگهای امروزی تدوین شده‌است)، کتاب الجماهر ابوریحان بیرونی و تنسوخ‌نامه ایلخانی خواجه نصیرالدین طوسی (در زمینه معادن و کانی‌شناسی)، صفة السحاب و الغیث ابن درید (واژه‌نامه‌ای درباره ابر و باران)، صفة السرج و اللجام ابن درید (واژه‌نامه‌ای درباره زین و لجام اسب)، رسالة فی اسماء الريح ابن خالویه (واژه‌نامه‌ای درباره انواع و اسامی بادهای مختلف)، معجم البلدان یاقوت حموی (دانشنامه جغرافیایی)، معجم مااستعجم (دانشنامه جغرافیایی خاص تاریخ و اماکن اسلامی) معجم الادباء (فرهنگ ادیبان و علماء)، کتاب الزینة ابو حاتم رازی (در اصطلاحات ویژه مربوط به اسلام و مسلمانان) تفسیر الفاظ المذنی تألیف ازهری هروی (در اصطلاحات و مشکلات فقه شافعی)، مصباح المنیر فی شرح غریب الشرح الكبير تألیف ابو العباس احمد الفیومی (فرهنگنامه غرائب و مصطلحات فقه شافعی)، کتاب طلبية الطلبة نجم‌الدین نسفی (در مصطلحات فقه حنفی)، بیان كشف الالفاظ التي لا بد للفقیه من معرفتها (فرهنگنامه مصطلحات فقه اسلامی به‌طور اعم)، أنیس النبهاء فی تعريف الالفاظ المتداوله بین الفقهاء تألیف قاسم قنوی (مصطلحات فقه اسلامی به‌طور اعم)، اینها و بسیاری دیگر از کتابها و رساله‌های کوچک و بزرگ که در هر یک از دانشها و فنون رایج در تمدن

اسلامی به صورت دانشنامه‌ها یا واژه‌نامه‌های تخصصی در گذشته نگارش یافته‌اند، نشان‌دهنده رشد و شکوفایی فن فرهنگنامه و دانشنامه‌نویسی در جهان اسلام است که البته در گذشته بسیار متداول و پررونق بوده ولی در مقطعی از زمان و در اعصار اخیر سیر نزولی داشته و حتی به توقف رسیده‌بود که خوشبختانه در این زمینه اخیراً حرکت‌هایی جبرانی دیده می‌شود.

۳- نقش و نقص فرهنگنامه‌ها

به نظر می‌رسد از روزگاری که مجموعه آثار افلاطون را دایرةالمعارف جامعی از دانستنیهای جهان تصور می‌کردند و از زمانی که ابو حفص سغدی و قطران ارموی و اسدی طوسی اولین فرهنگهای عصر آگاهی را پدید آوردند، تا همین امروز هیچ دایرةالمعارف کاملی به‌ظهور نرسیده‌باشد و هیچ فرهنگ بی‌نقص و کاستی به‌زیور تدوین آراسته نشده‌باشد.

اگر خیلی نسبت به آثاری که در حوزه شناخت دانش بشری به وجود آمده‌اند خوشبین باشیم، هرکدام از آنها را فقط در همان روزی که خلق می‌شوند کامل و جامع می‌بینیم اما از فردای آن روز بی‌تردید به نقصی آشکار دچار می‌شوند: نقص روزی که برآمده‌است و انعکاسی در آن دفتر فروبسته نداشته‌است!

مقصود ما از پرداختن این عبارتها بیشتر آن است که گفته‌باشیم دایرةالمعارفها، فرهنگنامه‌ها، قاموسنامه‌ها، واژه‌نامه‌ها و هر آن چه از این مقوله به حساب می‌آیند هرگز نمی‌توانند آخرین کوششی باشند که در زمینه کار فرهنگ‌پردازی و دایرةالمعارف‌نویسی معمول گردیده‌است، آثاری از این‌گونه، محققاً به دست کسانی پایان نمی‌گیرند که آنها را آغاز کرده‌اند یعنی اصلاً هیچ‌گاه به‌پایان خود نمی‌رسند.

مادام که انسان هست و روابط اجتماعی جریان دارد و مناسبات و رفتارها و سلوک بشری خاتمه نیافته‌باشد، واژه نو، اصطلاح تازه و تعبیر جدید هم البته هست، از

این روی کوششهایی که در قلمرو فرهنگ‌نویسی به عمل می‌آید قبل از آن که به انکار تلاش پیشینیان حمل شود در واقع می‌بایست نوعی همکاری و همفکری با آنان تلقی شود، به خصوص که شیوه‌ها و سبکها در پرداختن اثر غالباً برهم منطبق می‌افتند. اگر کمی با دقت به حدود سیصد فرهنگی که در زمینه لغت فارسی، نگارش یافته‌اند نگاه کنیم، دریافتی جز این نخواهیم داشت که موجبات پیدایی آنها، تفاوت کمرنگی بوده‌است در ترتیب کار یا افزودن و کاستن چند واژه و اصطلاح به فراخور پیشرفت زمان، پس در کار پرداختن دایرةالمعارف و واژه‌نامه باید توجه داشت که مهمترین نقش هر فرهنگنامه همان است که عصر خود را به پایان می‌برد تا عصر فرهنگنامه‌یی دیگر آغاز شود.

۴- ضرورت نگارش دایرةالمعارف جامع حقوقی

همان‌طور که نوشته شد متأسفانه در سده‌های اخیر مسلمانها نتوانسته‌اند همراه و همگام با تحولات عظیم عصری در فن نگارش دانشنامه‌های تخصصی گامهای لازم را بردارند و به نیازهای جدید در زمینه‌های مختلف پاسخ بدهند این نقیصه در زمینه فقه و حقوق بسیار چشمگیر و حیرت‌زا و شگفت‌انگیز است، به نظر می‌آید این کمبود از آنجا نشأت گرفته‌است که مدت‌ها فقه اسلامی به معنای وسیع کلمه - و با دربرگرفتن ارکان حکومت و امور قضائی و پیاده کردن احکام الله و اجرای حدود الهی - از گستره جامعه رخت بر بسته‌بود، و اجزاء و مسائل آن فقط در حوزه‌ها و مدارس علوم اسلامی تدریس می‌شد، و فقط گروه معدودی از اهل فن و متخصصان مسائل اسلامی، به مطالعه و آموزش آنها اشتغال داشتند. به عبارت دیگر، فقه اسلامی به معنای وسیع کلمه جنبه عملی نداشت و صورت اجراء به خود نمی‌گرفت، بلکه فقط به صورت تئوری در حوزه‌های علمی تدریس می‌شد و مورد مطالعه و مباحثه و تحقیق و آموزش قرار می‌گرفت. از سوی دیگر، در این دوران، فقهاء عظام هم، چون جایی برای

پیاپیاده شدن فقه اسلامی به معنای وسیع کلمه در متن جامعه نمی‌یافتند، لذا موردی هم برای آموزش دقیق و پی‌گیری آن نمی‌دیدند، و در نتیجه نوعاً به مسائل عبادی مانند نماز و روزه و خمس و زکات و جزئیات و جوانب آنها می‌پرداختند.

با پیروزی انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی و حاکمیت یافتن اسلام در جامعه، این وضع دگرگون شد و در اندک مدتی، نیاز شدیدی که جامعه به اجرای احکام خدا و قوانین فقهی و شرعی داشت، باعث شد که بار دیگر، فقه به معنای وسیع کلمه و با دربرگرفتن کلیه شئون یک نظام الهی و انبیاپی و یک حکومت اسلامی، جای خود را در اجتماع باز کند و از محیط در بسته حوزه‌ها و مدارس بیرون آید و در متن جامعه جاری شود.

در کنار این تحول بنیادی و گسترش روز افزون جوامع و آشکار شدن مسائل مستحدث قضائی و روآوردن جوامع مختلف به اسلام و شوق فراوان به شناخت دقیق و اصیل مسائل اسلامی و به ویژه مسائل حقوقی و قضایی آن، آگاهیهای فقهی و حقوقی از مبرم‌ترین مسائل روز جامعه ما محسوب می‌شود و مسائل قضائی اسلام آگاهیهای فقهی و حقوقی جدیدتر از اسلام را بسیار ضروری و گزیرناپذیر ساخته است، لذا نیاز به وجود یک دایرةالمعارف جامع فقهی و حقوقی از مبرم‌ترین نیازهاست.

از آن جایی که نگارش یک دایرةالمعارف و یا دانشنامه حقوقی و قضائی جامع و شامل اسلامی، در شرائط کنونی از عهده فرد خارج می‌باشد و باید گروه‌هایی از پژوهشگران و متخصصان بدان مهم دست یازند؛ امید بستن به تحقق آن جزء آرزوهاست که انشاء... با تلاش حقوقدانان اسلام‌شناس و دلسوز، محقق خواهد شد.

۵- انگیزه نگارش این مجموعه

چنان که اشاره شد، هر چند راقم این سطور، تألیف دایرةالمعارف حقوقی را

به‌تنهایی در توان خود نمی‌دید ولی از ضرورت‌هایی که برشمردیم آگاهی کامل داشت و می‌دانست قاعده «المیسور لایسقط بالمعسور» تکلیفش را در سطحی پایینتر مشخص ساخته‌است.

مؤلف احساس می‌کرد جامعه اسلامی - بالاخص دست‌اندرکاران امور قضاء و نیازمندان دستگاه قضاء - نیازمند نوشته‌یی است که بتواند مفاهیم و معانی واژه‌ها و اصطلاحات حقوقی را نشان دهد و کاربردهای علمی و تخصصی آنها را به‌صورتی روشن تفسیر و تبیین نماید.

مشخصه‌های تحریر شده انگیزه تألیفی شد به‌نام فرهنگ دادرسی. این اثر که هم‌اکنون در پیش رو دارید ویژگیهای خاص خود را دارد که ذیلاً مواردی را یادآور می‌شود:

ویژگیهای کلی فرهنگ دادرسی

۱- منابع دست اول این فرهنگ، متون قانونی است، سعی شده‌است در به‌دست دادن معنای واژه‌ها تا جایی که امکان داشته‌باشد از کلام و بیان مقنن استفاده شود. تا مجال اختلاف برداشت، از میانه برخیزد، مثلاً وقتی قانونگذار اجاره را در ماده ۴۶۶ قانون مدنی و چک را در ماده ۳۱۰ قانون تجارت و دعوی مرتبط را در ماده ۲۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی و مثلاً وقف را در ماده ۵۵ قانونی مدنی تعریف کرده‌است، دیگر موقعی برای توجه به دیگر منابع باقی نمی‌ماند.

پس از متون قانونی، آبخشور اصلی این تحقیق، منابع غنی فقهی است که در حال حاضر عملاً نیز بسیاری از قوانین، از شاخه‌های این جویبار به حساب می‌آیند، مضافاً به این که در بسیاری موارد منبع منحصر به فرد هم به‌شمار آمده‌است. و در درجات بعدی به بسیاری از قاموسها، لغت‌نامه‌ها، فرهنگنامه‌ها، دانشنامه‌ها و دایرةالمعارفهای موجود نیز مراجعه شده‌است و در همان حال آثار و نوشته‌های صاحب‌نظران دانش حقوق و آرای وحدت رویه نیز از نظر دور نمانده‌است.

۲- آنچه در ذیل واژه‌ها و ترکیبات و اصطلاحات آمده‌است غالباً قوانین و مقرراتی است که در زمان تدوین کتاب، حاکمیت داشته‌است، پس از این حیث نیز فایده دیگری بر آن بار می‌شود که عمدتاً نوعی پرهیز از قوانین منسوخه و غیرحاکم است.

۳- حقیقت این است که هنوز محصلین حقوق و قضات محکمه و خیل کسانی که به‌نحوی با مباحث حقوقی سروکار دارند، وقتی در پی واژه‌ی یا اصطلاحی به‌فرهنگنامه‌های موجود مراجعه می‌کنند یا تلاش آنها در دستیابی به مقصود به‌کلی بی‌ثمر می‌ماند و اثری از آن واژه یا اصطلاح در هیچ‌کجا به‌دست نمی‌آورند و یا آثاری که در این زمینه به‌وجود آمده‌اند به‌گونه‌ی تنظیم‌گردیده‌اند که رسیدن به مطلوب همواره متضمن اتلاف وقت است.

نهایتاً این احساس وجود داشته که اگر فرهنگی جامع‌الاطراف به‌وجود آید تا نقص لغات و کمبود اصطلاحات را جبران کند به‌مقدار زیادی محققان عرصه حقوق را از باب سهولت دسترسی به واژه‌ها و جامعیت مدخل‌های موردنیاز خاطرجمع خواهدکرد، و دایرة‌المعارف حاضر بر آن بوده‌است تا این انتظار را تا حدودی برآورد.

۴- با استقرار حاکمیت نظام حقوقی اسلام که نتیجه قهری و منطقی پیروزی انقلاب اسلامی بود، انبوهی از واژه‌ها و اصطلاحات خاص فقهی، هم در مباحث جزایی و هم در مسائل حقوقی، وارد قلمرو بحث‌های قضایی شد که طبعاً فرهنگ‌های موضوعی تألیف شده در دوران پیش از انقلاب خود را با این گروه از واژه‌ها و تعبیرات آشنا نکرده‌بودند. پس از انقلاب نیز تا هم‌اکنون دانشنامه‌ی که با محتوای آشتی‌جویانه واژه‌های فقهی و قانونی تدوین شده‌باشد مجال ظهور و بروز نیافته‌است. از این نظر نیز این نوشته می‌تواند در نوع خود کم‌سابقه باشد.

۵- این تألیف اگرچه به‌نیازهایی می‌اندیشد که جامعه قضات عملاً با آن مواجه هستند لیکن در همان حال به‌مقداری از نیازهای عامه مردم هم بی‌توجه نیست. گروهی از آحاد مردم که به‌طور مستمر با دستگاه‌های قضائی و مراجع قانونی در ارتباط می‌باشند، ای بسا که برای فهم واژه‌ی و درک اصطلاحی و یا برای به‌جا آوردن

موقعیت و شأن آن واژه و اصطلاح در متون قانونی، نیازمند مراجعه به منبعی جامع باشند که در حد رفع نیاز، پاسخگوی آنان باشد. تصور این است که آن عده نیز بتوانند بهره لازم را از مجموعه حاضر کسب نمایند.

۶- این کتاب به صورت معجمی بر پایه الفبای حروف فارسی از حرف «آ» تا حرف «ی» تدوین شده و نحوه استفاده از آن عیناً همانند نحوه استفاده از کتابهای لغت در زبان فارسی است.

به طور مثال مواد قانونی مربوط به «دیه» را باید ذیل حرف «دال» و مواد قانونی مربوط به تجدیدنظر را ذیل حرف «ت» پیدا کنیم و... در برخی موارد نیز که دو اصطلاح برای یک موضوع موجود بوده است، از یکی به دیگری ارجاع داده ایم، مانند اصطلاحهای «تدلیس» و «خیار تدلیس» که تدلیس را به خیار تدلیس ارجاع داده ایم.

۷- تذکر این نکته نیز لازم است که چون در ذکر شواهد قانونی بخشهایی یا شقوقی از مواد قانونی با مدخل مورد بحث مرتبط نبوده است ضمن حفظ ترکیب ماده از ذکر آن شق غیرمرتبط خودداری شده است.

با توجه به نکاتی که در صدر این مقدمه متذکر شدیم هیچ دایرةالمعارفی و هیچ فرهنگی مدعی دست یافتن به ستیغ جامعیت و کمال نیست اما با این اوصاف اگر این نوشتار توانسته باشد تنها بخشی از نیازهای حقوقی عصر خود را برآورده سازد، پدیدآورنده آن قطعاً به کل هدفهای خویش نایل آمده است.

امید است اساتید و صاحب نظران قضائی در جهت ارتقاء کیفیت و جامعیت این مجموعه و رفع معایب و نقایص آن، معایب را همراه با پیشنهادات و نظریات صائب خود به مؤلف منعکس فرمایند تا در بازنگریهای بعدی مدنظر قرار گیرد و مجموعه‌یی بهتر به جامعه پژوهشگران قضائی کشور عرضه گردد.

و اینک مدخل مصونیت از حرف م را به نظر می‌رساند:

* مصونیت

مصونیت به معنای محفوظ بودن، مأمون بودن و حفظ شدن است. [لغتنامه دهخدا]

- مصونیت سیاسی: مصونیت سیاسی يك مفهوم سیاسی - قضایی فراملی

است. بدین معنی که اکثر قریب به اتفاق کشورهای جهان جهت استقرار همزیستی مسالمت‌آمیز از طریق مجامع بین‌المللی توافق‌نامه‌هایی را امضاء می‌کنند طبق این‌گونه قراردادهای بین‌المللی دولتهای عضو مکلفند نسبت به مأمورین سیاسی یکدیگر اصول و ضوابطی را رعایت نمایند.

از جمله اصول بین‌المللی «اصل مصونیت مأمورین سیاسی» و ابزار و لوازم مأموریت‌های سیاسی است.

ایران، قراردادهای مشروحه ذیل الذکر را پذیرفته و از طریق قوه مقننه اجرای اصول آنها را تعهد نموده است.

- قرارداد وین درباره روابط سیاسی. مصوب ۱۳۴۳
- کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی. مصوب ۱۳۵۳
- کنوانسیون مزایا و مصونیت‌های مأموریت‌های مخصوص. مصوب ۱۳۵۳
- موافقت‌نامه مصونیت‌ها و مزایای سازمان کنفرانس اسلامی. مصوب ۱۳۵۷

در قراردادهای مذکور مصونیت‌هایی اعم از کیفری، مدنی و اداری پیش‌بینی شده است. در سطور آتی مصونیت‌های قراردادهای مذکور به‌طور جداگانه آورده می‌شود:

۱- مصونیت‌های قرارداد وین درباره روابط سیاسی

مصونیت توشه شخصی مأمور سیاسی

توشه شخصی مأمور سیاسی از تفتیش معاف است مگر این‌که دلایل جدی دال بر

وجود اشیایی در آن که مشمول معافیتهای مندرج در بند ۱ این ماده نیست در دست بوده و یا ورود و صدور آن اشیاء به موجب قوانین یا مقررات قرنطینه کشور پذیرنده ممنوع باشد. در چنین صورتی تفتیش جز در حضور مأمور سیاسی یا نماینده مجاز او صورت نخواهد گرفت. «بند ۲ ماده ۳۶ قانون مربوط به قرارداد وین درباره روابط سیاسی»

مصونیت بستگان خدمه مأموریت خدمتکاران شخصی مأمور سیاسی

۱- بستگان مأمور سیاسی که اهل خانه او هستند به شرط آن که تبعه کشور پذیرنده نباشند از مزایا و مصونیت‌های مندرج در مواد ۲۹ تا ۳۶ برخوردار خواهند بود.

۲- کارمندان اداری و فنی مأموریت و همچنین بستگان آنها که اهل خانه آنها هستند به شرط آن که تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دائم آن کشور نباشند از مزایا و مصونیت‌های مندرج در مواد ۲۹ تا ۳۵ بهره‌مند خواهند بود ولی مصونیت از صلاحیت مقامات دولت پذیرنده در امور مدنی و اداری موضوع بند اول ماده ۳۱ شامل اعمال خارج از وظایف آنها نخواهد شد. اشخاص مذکور همچنین از مزایای مندرج در قسمت اول ماده ۳۶ در مورد اشیایی که برای استقرار اولیه وارد می‌کنند استفاده خواهند نمود.

۳- خدمه مأموریت به شرط آن که تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دائم آن کشور نباشند نسبت به اعمال ناشی از اجرای وظایف خود مصونیت داشته و از پرداخت مالیات و عوارض بابت مزدی که در قبال انجام کار دریافت می‌دارند معاف می‌باشند و همچنین از معافیت مذکور در ماده ۳۳ استفاده خواهند نمود.

۴- خدمتکاران شخصی اعضاء مأموریت که تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دائم آن کشور نیستند از پرداخت مالیات و عوارض بابت حقوقی که در قبال انجام وظیفه دریافت می‌دارند معاف خواهند بود. استفاده آنان از مزایا و مصونیت‌های دیگر فقط در

حدودی که مورد قبول کشور پذیرنده باشد خواهد بود. معهذا کشور پذیرنده نباید حق حاکمیت خود را در مورد این اشخاص طوری اعمال نماید که به نحو بی‌تناسبی مانع از انجام وظایف مأموریت گردد. «ماده ۳۷ قانون مربوط به قرارداد وین درباره روابط سیاسی».

مصونیت کیسه سیاسی مأموریت

کیسه‌های سیاسی نباید باز شده یا توقیف گردد. «بند ۳ ماده ۲۷ قانون مربوط به قرارداد وین درباره روابط سیاسی»

مصونیت پیک سیاسی مأموریت

شخص پیک، مصونیت داشته و به هیچ عنوان بازداشت یا زندانی نخواهد شد. «فراز دوم بند ۵ ماده ۲۷ قانون مربوط به قرارداد وین درباره روابط سیاسی».

مصونیت اماکن نمایندگان سیاسی

۱- اماکن مأموریت مصونیت دارند و مأمورین کشور پذیرنده جز با رضایت رئیس مأموریت حق ورود به این اماکن را نخواهند داشت.

۲-.....

۳- اماکن مأموریت و اسباب و اثاث و اشیاء دیگر موجود در آن و همچنین وسائل نقلیه مأموریت مصون از تفتیش و مصادره و توقیف و یا اقدامات اجرائی خواهد بود. «بند ۱ و ۳ ماده ۲۲ قانون مربوط به قرارداد وین درباره روابط سیاسی»

مصونیت بایگانی و اسناد مأموریت

بایگانی و اسناد مأموریت در هر زمان و در هر مکان از تعرض مصون خواهد بود. «ماده ۲۴ قانون مربوط به قرارداد وین درباره روابط سیاسی»

مصونیت مکاتبات رسمی مأموریت

مکاتبات رسمی مأموریت مصون است. اصطلاح «مکاتبات رسمی» شامل تمام مکاتبات مربوط به مأموریت و انجام وظایف آن می‌باشد. «بند ۲ ماده ۲۷ قانون مربوط به قرارداد وین درباره روابط سیاسی»

مصونیت شخص مأمور سیاسی

شخص مأمور سیاسی مصون است و نمی‌توان او را به هیچ عنوان مورد توقیف یا بازداشت قرار داد. «فراز اول ماده ۲۹ قانون مربوط به قرارداد وین درباره روابط سیاسی»

مصونیت محل اقامت و اسناد مأمور سیاسی

۱- محل اقامت خصوصی مأمور سیاسی مانند اماکن مأموریت مصون و مورد حمایت خواهد بود.

۲- اسناد و مکاتبات و همچنین با رعایت بند ۳ ماده ۳۱ اموال مأمور سیاسی مصون خواهد بود. «ماده ۳۰ قانون مربوط به قرارداد وین درباره روابط سیاسی»

مصونیت تعقیب جزایی و مدنی و اداری مأمور سیاسی و موارد استثناء

۱- مأمور سیاسی در کشور پذیرنده از مصونیت تعقیب جزایی برخوردار است و از مصونیت دعاوی مدنی و اداری نیز بهره‌مند خواهد بود مگر در موارد زیر:

الف - دعوی راجع به مال غیر منقول خصوصی واقع در قلمرو کشور پذیرنده مگر آن که مأمور سیاسی مال را به نمایندگی کشور فرستنده و برای مقاصد مأموریت در تصرف داشته باشد.

ب - دعوی راجع به ماترکی که در آن مأمور سیاسی به طور خصوصی و نه به نام کشور فرستنده وصی و امین ترکه و وارث یا موصی له واقع شده باشد.

- ج - دعوی راجع به فعالیت‌های حرفه‌ای یا تجاری از هر نوع که مأمور سیاسی در خاک کشور پذیرنده و خارج از وظایف رسمی خود به آن اشتغال دارد.
- ۲- مأمور سیاسی مجبور به ادای شهادت نیست.
- ۳- علیه مأمور سیاسی مبادرت به هیچ‌گونه عملیات اجرایی نخواهد شد جز در موارد مذکور در بندهای الف - ب و ج قسمت اول این ماده و به شرط آن که این عملیات اجرایی به مصونیت شخص یا محل اقامت او لطمه‌ای وارد نیورد.
- ۴- مصونیت قضائی مأمور سیاسی در کشور پذیرنده او را از تعقیب قضائی کشور فرستنده معاف نخواهد داشت. «ماده ۳۱ قانون مربوط به قرارداد وین درباره روابط سیاسی»

مصونیت مأموران سیاسی و خانواده آنان در هنگام عبور از کشور

موقعی که مأمور سیاسی به قصد عزیمت یا بازگشت به محل مأموریت و یا برای مراجعت به وطن از خاک کشور ثالثی که در صورت لزوم رواید صادر نموده عبور می‌کند یا در آن جا حضور دارد کشور ثالث او را از تعرض مصون داشته و مشمول کلیه مصونیت‌هایی که برای عبور یا بازگشت وی ضرورت دارد خواهد نمود. همین مقررات از طرف کشور ثالث در مورد اعضای خانواده مأمور که از مزایا و مصونیتها بهره‌مندند و همراه مأمور سیاسی یا جداگانه برای پیوستن به او یا مراجعت به وطن مسافرت می‌کنند اعمال خواهد شد. «بند ۱ ماده ۴۰ قانون مربوط به قرارداد وین درباره روابط سیاسی»

۲- مصونیت‌های کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی

مصونیت مکاتبات رسمی و کیسه کنسولی

۲- مکاتبات رسمی پست کنسولی مصون از تعرض خواهد بود. مکاتبات رسمی عبارت است از کلیه مکاتباتی که مربوط به پست کنسولی و وظائف آن می باشد.

۳- کیسه کنسولی نباید باز یا توقیف شود. معهذاً هرگاه مقامات ذی صلاحیت دولت پذیرنده دلایل کافی داشته باشند که کیسه کنسولی حاوی چیزی غیر از مکاتبات و اسناد یا اقلام مذکور در بند ۴ ماده حاضر است - می توانند تقاضا کنند که کیسه مزبور توسط نماینده مجاز دولت فرستند در حضور آنها باز شود، اگر این تقاضا از طرف مقامات دولت فرستند رد شود کیسه مزبور به مبدأ آن عودت داده خواهد شد. «بند ۲ و ۳ ماده ۳۵ قانون کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی»

مصونیت پیک کنسولی

پیک کنسولی در انجام وظایف خود مورد حمایت دولت پذیرنده خواهد بود. شخص پیک مصون از تعرض می باشد و به هیچ نحو نمی توان او را توقیف یا زندانی نمود. «قسمت آخر بند ۵ ماده ۳۵ کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی»

مصونیت بایگانی و اسناد کنسولی

بایگانی و اسناد کنسولی در هر زمان و در هر مکان از تعرض مصون خواهد بود. «ماده ۳۳ قانون کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی»

مصونیت مأموران کنسولی

۱- مأموران کنسولی را نمی توان توقیف کرد مگر در صورت ارتکاب جنایتی بزرگ (درجه یک) و متعاقب تصمیم مقام قضائی صلاحیتدار توقیف یا در انتظار محاکمه بازداشت نمود.

۲- به استثنای مورد مذکور در بند ۱ ماده حاضر - مأموران کنسولی را نمی توان

زندانی نموده یا آزادی شخصی آنها را به نحو دیگری محدود ساخت مگر در اجرای يك تصميم قضایی که جنبه قطعی داشته باشد.

۲- اگر مأمور کنسولی تحت تعقیب جزایی قرار گیرد باید نزد مقامات صلاحیت‌دار حاضر شود. معذالك این تعقیب باید با رعایت احترامی که در شأن مقام رسمی مأمور کنسولی است، به عمل آید و جز در مورد مذکور در بند ۱ ماده حاضر تا حد امکان کمتر مانع از انجام وظایف کنسولی او گردد. هنگامی که در شرایط مذکور در بند ۱ این ماده بازداشت مأمور کنسولی ضروری باشد رسیدگی به دعوی اقامه شده علیه او باید هر چه زودتر شروع گردد. «ماده ۴۱ قانون کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی»

مصونیت قضایی مأموران و کارمندان کنسولی در خصوص وظائف کنسولی

۱- مأموران کنسولی و کارمندان کنسولی در مورد اعمالی که در انجام وظائف کنسولی خود به عمل می‌آورند در برابر مقامات قضایی یا اداری دولت پذیرنده مصونیت قضایی خواهند داشت.

۲- معذالك مقررات بند ۱ ماده حاضر شامل دعوی حقوقی زیر نمی‌شود:

الف - دعوی حقوقی ناشی از قراردادی که توسط يك مأمور کنسولی یا کارمند کنسولی منعقد گردیده لکن او قرارداد مزبور را تلویحاً، یا تصریحاً به عنوان نماینده و کارگزار دولت فرستنده منعقد نساخته است.

ب - دعوی حقوقی شخصی ثالث در مورد خسارت ناشی از تصادف وسیله نقلیه و کشتی یا هواپیما، در قلمرو دولت پذیرنده. «بند ۱ و ۲ ماده ۴۲ قانون کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی»

مصونیت اماکن کنسولی

۱- اماکن کنسولی تا حدود مقرر در ماده حاضر مصونیت دارند.

۲- مقامات دولت پذیرنده نمی‌توانند به آن قسمت از اماکن کنسولی که منحصراً برای انجام امور پست کنسولی مورد استفاده قرار می‌گیرد، داخل شوند مگر با رضایت رئیس پست کنسولی یا شخصی که از طرف او تعیین می‌شود یا رئیس مأموریت دیپلماتیک دولت فرستنده. لیکن در صورت وقوع آتش‌سوزی یا حوادث ناگوار دیگری که مستلزم اقدامات حفاظتی فوری باشد رضایت رئیس پست کنسولی را می‌توان کسب شده فرض نمود.

۳-.....

۴- اماکن کنسولی و اسباب و اثاثه آن و اموال پست کنسولی و وسایل نقلیه آن از هر نوع مصادره به‌منظور دفاع ملی یا انتفاع عمومی مصون خواهد بود. هرگاه برای این مقاصد سلب مالکیت ضروری باشد کلیه تدابیر ممکن جهت احترام از ایجاد موانع درباره انجام وظایف کنسولی اتخاذ خواهد شد و غرامت فوری و مناسب و کافی به دولت فرستنده پرداخت خواهد گردید. «بند ۱ و ۲ و ۴ ماده ۳۱ قانون کنواسیون وین درباره روابط کنسولی»

مصونیت مأمور کنسولی و خانواده وی هنگام ورود به کشور و خروج از آن

اگر مأمور کنسولی به قصد تصدی پست یا مراجعت به محل مأموریت خود یا برای مراجعت به قلمرو دولت فرستنده از سرزمین دولت ثالثی که در صورت لزوم برای او رواید صادر نموده عبور می‌کند یا در آن جا حضور دارد دولت ثالث کلیه مصونیت‌های مذکور در سایر مواد این کنوانسیون را که برای تأمین عبور یا بازگشت مأمور کنسولی لازم باشد به او اعطاء خواهد نمود. همین مقررات از طرف دولت ثالث در مورد اعضای خانواده مأمور کنسولی که اهل خانه او هستند و از مزایا و مصونیت‌ها بهره‌مندند و همراه مأمور کنسولی می‌باشند یا برای پیوستن به او یا مراجعت به سرزمین دولت فرستنده جداگانه مسافرت می‌کنند اعمال خواهد شد. «بند ۱ ماده ۵۴ قانون کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی»

مصونیت مکاتبات و پیامهای کد و رمز مامورین کنسولی هنگام ورود به

کشور و خروج از آن

دولتهای ثالث نسبت به مکاتبات و سایر ارتباطات رسمی از جمله پیامهای «کد» و رمز که از خاک آنها می‌گذرد همان آزادی و حمایتی را اعطاء خواهند کرد که دولت پذیرنده طبق این کنوانسیون ملزم به رعایت آن است و نسبت به بیکهای کنسولی که در صورت لزوم روادید تحصیل کرده‌اند و نسبت به کیسه‌های کنسولی عبور همان مصونیت از تعرض و حمایتی را که دولت پذیرنده طبق این کنوانسیون ملزم به رعایت آن است - اعطاء خواهند کرد. «بند ۲ ماده ۵۴ قانون کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی»

۳- مصونیت‌های کنوانسیون مزایا و مصونیت‌های ماموریت‌های

مخصوص

مصونیت اماکن ماموریت مخصوص

۱- اماکنی که ماموریت مخصوص طبق مقررات این کنوانسیون در آن مستقر شده‌است مصونیت دارند. مامورین دولت پذیرنده جز با رضایت رئیس ماموریت مخصوص یا در صورت اقتضا جز با رضایت رئیس ماموریت دیپلماتیک دایمی فرستنده نزد دولت، حق ورود به این اماکن را نخواهند داشت. در صورت وقوع آتش‌سوزی یا حوادث ناگوار دیگر که ایمنی عمومی را شدیداً به مخاطره اندازد و فقط در صورتی که جلب رضایت صریح رئیس ماموریت مخصوص یا در صورت اقتضاء رئیس ماموریت دیپلماتیک دایمی مقدور نباشد، می‌توان این رضایت را کسب شده فرض نمود.

۲- دولت پذیرنده وظیفه خاص دارد، کلیه تدابیر لازم را به منظور این که اماکن

مأموریت مخصوص مورد تجاوز و خسارت قرار نگرفته و آرامش و شئون آن متزلزل نگردد - اتخاذ نماید.

۲- اماکن مأموریت مخصوص و اسباب و اثاث و سایر اموالی که در انجام کار مأموریت مخصوص مورد استفاده واقع شود و وسایط نقلیه مأموریت از تفتیش و مصادره و توقیف و یا اقدامات اجرایی مصون خواهد بود. «ماده ۲۵ قانون کنوانسیون مزایا و مصونیت‌های مأموریت‌های مخصوص»

مصونیت بایگانی و اسناد مأموریت مخصوص

بایگانی و اسناد مأموریت مخصوص در هر زمان و در هر مکان از تعرض مصون خواهد بود و بایستی عنداللزوم دارای علایم مرئی خارجی مشخص‌کننده باشد. «ماده ۲۶ قانون کنوانسیون مزایا و مصونیت‌های مأموریت‌های مخصوص»

مصونیت ارتباطات مأموریت مخصوص

۱- دولت پذیرنده آزادی ارتباطات مأموریت مخصوص را برای مقاصد رسمی اجازه داده و حمایت خواهد نمود. مأموریت مخصوص می‌تواند به منظور برقراری ارتباط با حکومت دولت فرستنده یا مأموریت‌های دیپلماتیک یا پست‌های کنسولی یا سایر مأموریت‌های مخصوص آن دولت یا بخش‌های خود مأموریت در هر کجا که باشد - از کلیه وسایل ارتباطی لازم از جمله پیک و پیام‌های رمز و کد استفاده نماید لیکن مأموریت مخصوص فقط با رضایت دولت پذیرنده می‌تواند اقدام به نصب و استفاده از یک دستگاه فرستنده رادیویی بنماید.

۲- مکاتبات رسمی مأموریت مخصوص از تعرض مصون است. «مکاتبات رسمی» عبارت است از کلیه مکاتباتی که مربوط به مأموریت مخصوص و وظایف آن می‌باشد.

- ۳- مأموریت مخصوص در صورتی که عملاً ممکن باشد - از وسایل ارتباط من جمله کیسه و پیک مأموریت دیپلماتیک دایمی دولت فرستنده استفاده خواهد کرد.
- ۴- کیسه مأموریت مخصوص نباید باز یا توقیف شود.
- ۵- بسته‌های جزء کیسه مأموریت مخصوص باید دارای علامت خارجی مشهود و مشخص کیفیت آنها بوده، فقط حاوی اسناد یا اشیاء مورد استفاده رسمی مأموریت مخصوص باشد.
- ۶- پیک مأموریت مخصوص که باید دارای مدرک رسمی حاکی از سمت وی و تعداد بسته‌های جزء کیسه باشد. در انجام وظایف خود از حمایت دولت پذیرنده برخوردار خواهد بود. شخص پیک مصونیت داشته و به هیچ عنوان بازداشت یا زندانی نخواهد شد.
- ۷- دولت فرستنده یا مأموریت مخصوص می‌تواند پیکهای مخصوص برای مأموریت مخصوص منصوب نماید. در این صورت مقررات بند ۶ این ماده و مصونیت مندرج در آن فقط تا زمانی که پیک مزبور کیسه مأموریت مخصوص را به مقصد برساند جاری خواهد بود.
- ۸- کیسه مأموریت مخصوص را می‌توان به فرمانده کشتی یا هواپیمای بازرگانی که باید در یک محل ورودی مجاز توقف نماید، سپرد فرمانده مزبور باید دارای مدرک رسمی حاکی از تعداد بسته‌های جزء کیسه باشد. لیکن وی به منزله پیک مأموریت مخصوص نخواهد بود. مأموریت مخصوص می‌تواند متعاقب ترتیباتی که با مقامات ذی‌صلاحیت می‌دهد یکی از اعضای خود را برای دریافت مستقیم و آزادانه کیسه از فرمانده کشتی یا هواپیما اعزام دارد. «ماده ۲۸ قانون کنوانسیون مزایا و مصونیت‌های مأموریت‌های مخصوص»

مصونیت شخصی مأمور مخصوص و کارمندان دیپلماتیک

شخص نمایندگان دولت فرستنده در مأموریت مخصوص و شخص کارمندان

دیپلماتیک مصون خواهند بود و نمی‌توان آنها را به هیچ عنوان مورد توقیف یا بازداشت قرار داد. دولت پذیرنده با ایشان رفتار محترمانه‌یی که در شأن آنها است خواهد داشت و کلیه اقدامات لازم را برای ممانعت از وارد آمدن لطمه به شخص و آزادی و حیثیت آنها اتخاذ خواهد کرد. «ماده ۲۹ قانون کنوانسیون مزایا و مصونیت‌های مأموریت‌های مخصوص»

مصونیت محل سکونت شخصی مأمور مخصوص و کارمندان دیپلماتیک

اسناد، مکاتبات، اموال

۱- محل سکونت شخصی نمایندگان دولت فرستنده در مأموریت مخصوص و کارمندان دیپلماتیک آن مانند اماکن مأموریت مخصوص مصون و مورد حمایت خواهد بود.

۲- اسناد و مکاتبات و همچنین با رعایت بند ۴ ماده ۳۱ اموال آنها مصون خواهد بود. «ماده ۳۰ قانون کنوانسیون مزایا و مصونیت‌های مأموریت‌های مخصوص»

مصونیت تعقیب جزایی و مدنی مأمور مخصوص و کارمندان دیپلماتیک

۱- نمایندگان دولت فرستنده در مأموریت مخصوص و کارمندان دیپلماتیک آن از مصونیت تعقیب جزایی دولت پذیرنده برخوردار می‌باشند.

۲- اشخاص مزبور - همچنین از مصونیت دعاوی مدنی و اداری دولت پذیرنده بهره‌مند خواهند بود مگر در موارد زیر:

الف - دعوی راجع به مال منقول خصوصی واقع در سرزمین دولت پذیرنده مگر آن که شخص ذینفع مال را به نمایندگی دولت فرستنده و برای مقاصد مأموریت مخصوص در تصرف داشته باشد.

ب - دعوی راجع به ماترکی که شخص ذینفع به طور خصوصی و نه به نام دولت فرستنده در مورد آن به عنوان وصی و امین ترکه و وارث یا موصی له عمل می‌کند.

- ج - دعوی راجع به فعالیت‌های حرفه‌ای یا تجاری از هر نوع که شخص ذینفع در قلمرو دولت پذیرنده و خارج از وظائف رسمی خود به آن اشتغال ورزد.
- د - دعوی درباره جبران خسارت ناشی از تصادف وسیله نقلیه که خارج از وظائف رسمی شخص ذینفع مورد استفاده واقع شود.
- ۲- نمایندگان دولت فرستنده در مأموریت مخصوص و کارمندان دیپلماتیک آن مجبور به ادای شهادت نیستند.
- ۴- علیه هیچ یک از نمایندگان دولت فرستنده در مأموریت مخصوص یا هیچ یک از کارمندان دیپلماتیک آن مبادرت به هیچ گونه عملیات اجرایی نخواهد شد جز در موارد مذکور در بندهای فرعی الف - ب - ج - د بند ۲ این ماده و مشروط بر آن که این عملیات اجرائی به مصونیت اشخاص مزبور یا محل سکونت آنان لطمه‌ای وارد نسازد. «بندهای ۱، ۲، ۳ و ۴ کنوانسیون مزایا و مصونیت‌های مأموریت‌های مخصوص»

مصونیت ائانه شخصی مامور و کارمندان دیپلماتیک مخصوص

ائانه شخصی نمایندگان دولت فرستنده در مأموریت مخصوص و کارمندان دیپلماتیک آن از بازرسی معاف خواهد بود مگر این که دلائل جدی دال بر وجود اشیائی در آن که مشمول معافیت‌های مذکور در بند یک این ماده نیست در دست بوده و یا ورود و صدور آن اشیاء به موجب قوانین و مقررات قرنطینه دولت پذیرنده ممنوع باشد. در این قبیل موارد بازرسی جز در حضور شخص ذینفع یا نماینده مجاز او صورت نخواهد گرفت. «بند ۲ ماده ۲۵ قانون کنوانسیون مزایا و مصونیت‌های مأموریت‌های مخصوص»

مصونیت کارمندان اداری و فنی و حرفه مأموریت مخصوص

کارمندان اداری فنی مأموریت مخصوص از مزایا و مصونیت‌های مندرج در مواد

۲۹ تا ۳۴ بهره‌مند خواهند بود ولی مصونیت از صلاحیت قضایی دولت پذیرنده در امور مدنی و اداری موضوع بند ۲ ماده ۳۱ شامل اعمال خارج از وظائف آنها نخواهد شد. اشخاص مذکور همچنین از مزایای مندرج در بند یک ماده ۲۵ در مورد اشیائی که به هنگام ورود اولیه خود به سرزمین دولت پذیرنده وارد می‌کنند، استفاده خواهند نمود. «ماده ۳۶ قانون کنوانسیون مزایا و مصونیت‌های مأموریت‌های مخصوص»

مصونیت خدمه مأموریت

خدمه مأموریت مخصوص نسبت به اعمال ناشی از انجام وظایف خود از صلاحیت قضایی دولت پذیرنده مصون خواهند بود و از معافیت از پرداخت مالیات و عوارض بابت مزدی که در قبال خدمات خود دریافت می‌دارند و همچنین از معافیت از مقررات بیمه‌های اجتماعی مقرر در ماده ۳۲ بهره‌مند خواهند بود. «ماده ۳۷ قانون کنوانسیون مزایا و مصونیت‌های مأموریت‌های مخصوص»

مصونیت اعضاء خانواده مأمورین سیاسی و اداری مأموریت‌های مخصوص

۱- اعضاء خانواده‌های نمایندگان دولت فرستنده در مأموریت مخصوص و کارمندان دیپلماتیک آن در صورتی که همراه اعضاء مأموریت مخصوص باشند از مزایا و مصونیت‌های مصرح در مواد ۲۹ تا ۳۵ بهره‌مند خواهند بود مشروط بر این که از اتباع دولت پذیرنده نبوده یا در قلمرو آن دولت اقامت نداشته باشند.

۲- اعضاء خانواده‌های کارمندان اداری و فنی مأموریت مخصوص در صورتی که همراه اعضاء مأموریت باشند از مزایا و مصونیت‌های مصرح در ماده ۳۶ برخوردار خواهند بود مشروط بر این که تبعه دولت پذیرنده یا مقیم دائم در قلمرو آن دولت نباشند. «ماده ۳۹ قانون کنوانسیون مزایا و مصونیت‌های مأموریت‌های مخصوص»

مصونیت کارمندان دیپلماتیک و مامورین مخصوص مقیم کشور

۱- نمایندگان دولت فرستنده در مأموریت مخصوص و کارمندان دیپلماتیک آن که تبعه دولت پذیرنده یا مقیم دایم در قلمرو آن، دولت باشند. فقط نسبت به اعمال رسمی که در اجرای وظایف خود انجام می‌دهند از مصونیت قضایی و مصونیت از تعرض بهره‌مند خواهند گردید مگر آن که دولت پذیرنده مزایا و مصونیت‌های بیشتری به آنها اعطا نماید. «بند ۱ ماده ۴۰ قانون کنوانسیون مزایا و مصونیت‌های مأموریت‌های مخصوص»

مصونیت مأموران مخصوص و کارمندان دیپلماتیک، هنگام ورود و خروج

از کشور

اگر یکی از نمایندگان دولت فرستنده در مأموریت مخصوص یا یکی از کارمندان دیپلماتیک آن برای عزیمت جهت تصدی پست خود یا در راه مراجعت به قلمرو دولت فرستنده از سرزمین دولت ثالثی عبور نماید یا در آن سرزمین باشد دولت ثالث مصونیت از تعرض و هرگونه مصونیت دیگری را که برای تأمین عبور مراجعت او ضروری است، به او اعطاء خواهد نمود. همین مقررات از طرف دولت ثالث در مورد اعضای خانواده او که از مزایا و مصونیت‌ها بهره‌مند و به‌عنوان همراه شخص مذکور در بند حاضر چه در معیت او و چه جداگانه برای پیوستن به او یا مراجعت به وطن مسافرت می‌نماید - اعمال خواهد شد. «بند ۱ ماده ۴۲ قانون کنوانسیون مزایا و مصونیت‌های مأموریت‌های مخصوص»

۴- مصونیت‌های موافقت‌نامه مصونیت‌ها و مزایای سازمان

کنفرانس اسلامی

مصونیت دبیرکل و معاونان و کارمندان عالی‌رتبه سازمان کنفرانس اسلامی
دبیرکل و معاونان او و سایر کارمندان عالی‌رتبه سازمان و همچنین همسر و

فرزندان صغیرشان علاوه بر مزایا و مصونیت‌های مذکور در دو ماده قبل از همان مزایا و مصونیت‌هایی که طبق قوانین بین‌المللی به هر یک از مأمورین سیاسی طبق مقامشان اعطاء می‌شود برخوردار خواهند گردید. «ماده ۲۰ موافقتنامه مصونیت‌ها و مزایای سازمان کنفرانس اسلامی»

مصونیت کارشناسان کنفرانس اسلامی و خانواده آنان

کارشناسانی که از طرف سازمان به انجام مأموریتی منصوب می‌شوند (به استثنای کارمندان مشمول مقررات فصل پنجم) در اجرای قطعنامه‌یی که توسط کنفرانس اتخاذ خواهد شد از مزایا و مصونیت‌های لازم برای اجرای وظایف خود به‌ویژه مزایا و مصونیت‌های زیر برخوردار خواهند گردید:

الف - شخص آنها از توقیف و بازداشت مصون خواهند بود و اثاثه شخصی آنها به‌جز در موارد استثنایی که از طرف دولت مربوطه با مشورت دبیرکل سازمان تعیین می‌شود از ضبط و توقیف مصونیت خواهند داشت.

ب - مصونیت قضایی نسبت به اظهارات کتبی و شفاهی و اعمالی که در اجرای وظایف رسمی خود به عمل می‌آورند این مصونیت پس از خاتمه مأموریت همچنان محفوظ خواهد بود.

ج - مکاتبات و اسناد سازمان از تعرض مصون خواهد بود.

د - برخورداری از تسهیلات ارزی که نمایندگان دولتهای خارجی در مأموریت موقت طبق قوانین و مقررات جاری دولت مربوط از آن استفاده می‌کنند.

ه - برخورداری از مصونیت‌ها و مزایایی که در مورد اثاثه شخصی به مأمورین سیاسی اعطاء می‌گردد.

و - مصونیت شخص آنها و همسر و فرزندان‌شان از تضییقات مهاجرت و ثبت نام بیگانگان و الزامات مربوط به خدمات ملی «ماده ۲۳ قانون موافقتنامه مصونیت و

مزایای کنفرانس اسلامی مصوب ۵۷/۳/۷»

مصونیت کیسه دیپلماتیک و پیک سازمان کنفرانس اسلامی

سازمان کنفرانس اسلامی می‌تواند از علائم رمز استفاده نماید و مراسلات خود را از طریق پیک یا کیسه دیپلماتیک انجام دهد در این صورت پیک و کیسه سازمان از مزایا و مصونیت‌های پیکها و کیسه‌های دیپلماتیک برخوردار خواهد بود. «ماده ۹ قانون موافقتنامه مصونیت و مزایای کنفرانس اسلامی مصوب ۵۷/۳/۷»

مصونیت نمایندگان دولتهای عضو کنفرانس اسلامی

نمایندگان دول عضو در ارگانها و کنفرانسهای اصلی و فرعی سازمان حین انجام وظایف رسمی و طی مدت مسافرت به محل تشکیل جلسه و مراجعت از آن، از مزایا و مصونیت‌های زیر برخوردار خواهند گردید:

الف - مصونیت شخص آنها از توقیف و بازداشت و مصونیت ائانه آنها از ضبط و مصادره.

ب - مصونیت قضایی نسبت به اظهارات کتبی و شفاهی و اعمالی که در اجرای وظایف رسمی خود انجام می‌دهند.

ج - مصونیت از تعرض نسبت به کلیه اوراق و اسناد متعلق به آنها.

د - حق دریافت علائم رمز و دریافت اوراق و مکاتبات توسط پیک یا کیسه مهور.

ه - معافیت خود و همسران آنها از محدودیت‌های مربوط به مهاجرت و ثبت نام اتباع بیگانه و خدمات ملی اجباری در کشوری که برای انجام وظایف از آن دیدار یا عبور می‌کنند.

و - تسهیلاتی که برای نمایندگان دولتهای خارجی که دارای مأموریت موقت می‌باشند در مورد قوانین مربوط به ارز و مبادلات ارزی وجود دارد.

ز - مصونیتها و تسهیلاتی که در مورد ائانه شخصی به فرستادگان سیاسی اعطاء می‌گردد.

ح - مصونیتها و تسهیلات دیگر که به فرستادگان سیاسی اعطاء می‌گردد به شرط آن که مغایر با مقررات فوق‌الذکر نباشد.

این مزایا شامل معافیت از حقوق و عوارض گمرکی نسبت به کالاهای وارده توسط افراد مذکور به‌جز وسایل شخصی آنها نخواهد بود. «ماده ۱۰ موافقتنامه مصونیتها و مزایای سازمان کنفرانس اسلامی»

مصونیت نمایندگان دولتهای عضو کنفرانسهای اسلامی

نمایندگان دولتهای عضو در ارگانهای اصلی و فرعی سازمان کنفرانس اسلامی و در کنفرانسهایی که توسط سازمان تشکیل می‌گردد نسبت به اظهارات شفاهی و کتبی خود در اجرای وظایفشان به عنوان نماینده دولت متبوع در ارگانهای سازمان کنفرانس اسلامی از مصونیت قضایی برخوردار خواهند بود و این مصونیت پس از اتمام دوره نمایندگی نیز شامل افراد مذکور خواهد گردید. «ماده ۱۱ موافقتنامه مصونیتها و مزایای سازمان کنفرانس اسلامی»

مصونیت اموال و دارایی و محلهای مسکونی و آرشیو سازمان کنفرانس اسلامی

سازمان کنفرانس اسلامی و اموال و دارایی آن در هر مکان و موقعیت از مصونیت قضایی برخوردار خواهد بود مگر آن که دبیر کل سازمان صراحتاً از مصونیت صرف‌نظر نماید. مع‌الوصف تفاهم حاصل است که سلب مصونیت در مورد اقدامات اجرائی مجری نخواهد بود. محلهای مسکونی سازمان کنفرانس اسلامی از تعرض مصون خواهد بود و اموال و دارایی آن در هر مقام از بازجویی و ضبط و توقیف، سلب مالکیت یا هر نوع مداخله یا اقدام اجرایی مصونیت خواهد داشت.

آرشیوهای سازمان کنفرانس اسلامی و کلیه اسناد متعلق به سازمان یا اسنادی که در اختیار سازمان قرار دارد از تعرض مصون خواهد بود. «مواد ۲ و ۳ و ۴ قانون موافقتنامه مصونیتها و مزایای سازمان کنفرانس اسلامی»

مصونیت کارمندان دبیرخانه سازمان کنفرانس اسلامی

کارمندان دبیرخانه کل بدون توجه به تابعیتشان از مزایا و مصونیت‌های زیر برخوردار خواهند گردید:

الف - مصونیت قضایی نسبت به اظهارات کتبی و شفاهی و کلیه اقداماتی که در اجرای وظایف رسمی خود به عمل می‌آورند. «بند الف ماده ۱۰ قانون موافقتنامه مصونیتها و مزایای کنفرانس اسلامی»

- مصونیت پارلمانی

منظور از مصونیت پارلمانی مصونیت نمایندگان مجلس شورای اسلامی است که در اصل ۸۶ قانون اساسی محدوده آن به وضوح ترسیم شده است: «نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آراییی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند تعقیب یا توقیف کرد». (ر.ک. اصل ۸۶ قانون اساسی)

- مصونیت قضات

الف - مصونیت انفصال و تغییر مقام

بموجب اصل ۱۶۴ اصلاحی قانون اساسی «قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه یا تصمیم رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل، نقل و انتقالات دوره‌ای قضات برطبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند صورت می‌گیرد.»

این اصل بعدها از سوی شورای نگهبان قانون اساسی مورد تفسیر قرار گرفت:

«استثنای مندرج در اصل ۱۶۴ قانون اساسی» مگر به اقتضای مصلحت جامعه یا تصمیم رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل» صرفاً ناظر به جمله دوم اصل یعنی عبارت «یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد» می باشد و ارتباطی به جمله صدر اصل ندارد..»

ب - مصونیت تعقیب و توقیف

کسانی که ابلاغ قضایی دارند تا زمانی که از آنان سلب صلاحیت قضایی قانونی نشده است از تعقیب و توقیف مصون می باشند چنانچه به صورت مدلل برای آنان مسایل کیفری مطرح باشد بایستی ابتداء از طریق دادرسی و دادگاه انتظامی قضات از صلاحیت قضایی معلق شوند و آن گاه مورد تعقیب قرار گیرند. قانونگذار با قبول مصونیت مذکور در ماده ۴۲ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تشکیلات دادگستری مصوب ۱۳۳۳ راه تعقیب قضات را به شرح آتی نشان داده است:

«هرگاه در اثناء رسیدگی کشف شود که کارمند قضایی مرتکب جنحه یا جنایتی شده و دادستان انتظامی قضات آن نسبت را مقرون به دلایل و قرائن ببیند که تعقیب کیفری را ایجاب نماید تعلیق کارمند مظنون را از شغل خود تا صدور رأی نهایی مراجع کیفری از دادگاه عالی انتظامی قضات تقاضا می نماید و دادگاه پس از رسیدگی به دلایل قرار مقتضی صادر خواهد نمود...» ادامه دارد.



اگر زندانیان، شاعر بودند...

قضات دادگستری در جهت حفظ جانب قانون و حراست از حریم جامعه غالباً و بناگزی می بایست که مجرمان را به حبس کیفر دهند اما از آن سوی قضیه، تذکر این نکته بی فایده نیست که تحمل زندان و شکیبایی بر بند هم بسیار دشوار و عظیم رنج آور است، چندان که اگر زندانیان را طبع شعری بود، بی گمان بئ الشکوایی می داشتند از آن دست که مسعود سعد سلمان [۴۳۹ تا ۵۱۵] داشته است اکنون تا بدانید که مجازات زندان با تن و روح آدمی چه می کند به ابیاتی از حبسیه مسعود نگاه کنید:

از کرده خویشتن پشیمانم
این چرخ به کام من نمی‌گردد
تا زاده‌ام ای شگفت، محبوسم
بر مغز من ای سپهر، هر ساعت
در خون چه کشی تنم، نه زوبینم
حمله چه کنی، که گُند شمشیرم
والله که چو گرگ یوسفم والله
گر هرگز ذره‌ای کژی باشد
در بند، ز شخص^۲ روح می‌کاهم
بیهش نیم و چو بیهشان باشم
غم، طبع^۳ شد و قبول غمها را
چون سایه شدم ضعیف در محنت
اندر زندان چو خویشتن بینم
گوریست سیاه‌رنگ دهلیزم
که انده جان به باس^۴ بگسارم^۵
تن سخت ضعیف و دل قوی بینم
از قصه خویش اندکی گفتم
پیوسته چو ابر و شمع می‌گیرم

جز توبه ره دگر نمی‌دانم
بر خیره سخن همی چه گردانم
تا مرگ، مگر که وقف زندانم؟
چندین چه زنی که من نه سندانم
در تف چه بری دلم، نه پیکانم
بویه^۱ چه دهی که تنگ می‌دانم
بر خیره همی نهند بهتانم
در من، نه ز پشت سعد سلمانم
از دیده ز اشک مغز می‌رانم
صرعی نیم و به صرعیان مانم
چون تافه رنگ زیر بارانم
وز سایه خویشتن هراسانم
تنها، گویی که در بیابانم
خوکیست کریه‌روی دزبانم
که آتش دل به اشک بنشانم
امید به لطف و صنع یزدانم
وین بیت، چو حرز و ورد می‌خوانم
وین بیت، چو حرز و ورد می‌خوانم

فریاد رسیدم^۶ ای مسلمانان

از بهر خدای اگر مسلمانم

۴- باس = دشواری
۵- گساردن = سهری کردن
۶- رسیدم = برسد مرا

۱- بویه = جولان
۲- شخص = تن
۳- طبع = طبعی